

قدر زر زرگر بداند

# فرزند سبلان

محمدصادق نائبی

در حالی که سال ۸۱ روزهای پایانی خود را می گذرانند و همه خود را برای سالی نو آماده می کردند ، زبان و ادبیات ترکی به پیشواز رفته و با معرفی یکی دیگر از گنجینه های ادب و عرفان خود ، رخت تازه بر تن کرد. استاد شهیر و چیره دست ادب و عرفان ، جناب آقای دکتر «جابر عناصری» با تلاش شبانه روزی و طاقت فرسای خود ، غبار غربت از چهره «ذکری اردبیلی» برگرفتند و غزلیات عرفانی او را پس از گذشت بیش از صد سال احیاء نمودند. قطعاً گنجینه ادب و عرفان آذربایجان چشم به قلم این استاد فرهیخته دوخته است. نشر این کتاب از جانب ایشان بهترین عیدی به مردم آذربایجان بود.

دکتر جابر عناصری دهها سال در دانشگاههای تهران به تربیت هزاران دانشجو مشغول بوده است. فراموش نمی کنیم که همو با اهداء کتابخانه شخصی خود به اردبیل ، خواستار ایجاد «بنیاد تعزیه شناسی آذربایجان» شدند اما ایشان نیز مانند یار دیرین خویش ، دکتر صدیق ، با جواب سرد و دو پهلو رودررو شده و طرحشان در موزه افتخارات مسئولین محلی! ماندگار شد. آنچه از دکتر جابر عناصری در ایران نام می برند «استاد فرهیخته ادب ، عرفان و فلسفه» است و در همین راستا دهها اجلاس و نکوداشت در شهرهای مختلف ایران اسلامی برای ایشان گرفته اند. آنچه گمنام است ، زحمات ایشان در تاریخ و ادبیات آذربایجان است. تحقیقات گسترده ایشان در «تعزیه شناسی» عموماً و «تعزیه - اردبیل» خصوصاً ، تحقیقات و شرح ایشان در باب «قارا مجموعه» عموماً و «شرح عرفانی غزلیات شیخ صفی» خصوصاً و دهها از این دست ، تنها به قلم استادی چیره دست چون ایشان میسر است.

ایشان غزلیات «ذکری اردبیلی» - شاعر اردبیلی سده ۱۳ هجری - را از میان نسخه های خطی استخراج کرده با زحمت و مشقت آنها را قرائت کرده و بصورت کتابی چاپ و نشر نموده اند. غزلها با لهجه کهن و شیرین اردبیل سروده شده است. این لهجه صدها سال پیشتر در غزلیات عرفانی قارا مجموعه شیخ صفی نیز مشاهده می شود. با توجه به اینکه استاد بزرگوار نیز فرزند سبلان هستند، توانائی خود را در حفظ این لهجه بخوبی نشان داده اند. شرح مختصر و مفیدی از

اصطلاحات عرفانی مورد استفاده در غزلیات «ذکری اردبیلی» در انتهای کتاب، درک عرفانی این غزلها را راحتتر کرده است.

پس از مطالعه غزلیات عرفانی «ذکری اردبیلی» در این کتاب، چنین احساسی به خواننده دست می دهد که گویا مثنوی یا حکایت می خواند، چرا که چیدمانی غزلها چنان است که لازم و ملزوم هم هستند. غزل پیشین، خواننده را برای غزل آتی آماده می کند و غزل حاضر، غزل پیشین را تکمیل می کند. خواننده با خواندن غزل نخست ناخودآگاه سر از آخرین غزل درمی آورد گویا که یک مثنوی را می خواند است.

وجود نقطه چین در تعدادی از ابیات، نشان از صعب القرائه بودن نسخه اصلی دارد که یا از ناخوانا بودن خط ناشی می شود یا کم رنگ بودن آن. هر دو احتمال وجود دارد. بهرحال دکتر عناصری رسم امانت را بجا آورده و برای قسمتهای ناخوانا، از کلمات احتمالی یا معادل استفاده نکرده اند.

با انتشار غزلیات ترکی «ذکری اردبیلی»، کلکسیون غزلسرایان ترکی تکمیل تر می گردد و در کنار فضولی، نباتی، واحد و ... بایستی نام «ذکری اردبیلی» را هم دید. زندگینامه وی بسیار گمنام بوده و تا جایی که در خاطر دارم غیر از مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان، کسی از این شاعر ترک سرا نامی به میان نیآورده است. البته در کتاب دانشمندان آذربایجان نیز به چند سطر اکتفا شده است. تنها چیزی که از او معلوم است، حیات ایشان در سده ۱۳ و صرفاً ترکی سرا بودن وی است مگر اینکه از لابلای دیگر اشعار وی بتوان اطلاعاتی در مورد او بدست آورد.

مثلاً با نگاه به چند غزل وی، ملقب بودنشان به «ذکری» محرز می شود. از طرفی گویش کلماتی چون «گنور، منوم، زولفوه، خالووی و ...» ما را به دیار شیخ صفی سوق داده یاد غزلهای نغز و طنزانه شیخ صفی الدین اردبیلی می اندازد. در جایی هم که از زیبا رخان اردبیل سخن می گوید:

**بو اردبیل مولکودو، «ذکری»! گۆزللری اولماز شبیه حوری یه، قیلمانه اوخشاماز**

یا اینکه «شیعه» بودنشان را از لابلای اشعارشان می توان دریافت. اصلاً شیعه بودن ما ایرانی ها مدیون قلم و شمشیر اردبیل در هشت قرن گذشته است:

**آدوی شیعه قویوب منکر مولا اولما شیعه خالص اولاندا بتله کردار اولماز**

اکنون پای یکی از غزلهای «ذکری اردبیلی» می نشینیم و به جان دل می نویسیم:

**دیوانه کؤنول سئودی، بیر دلبر ترسانی** **سالدوم اودا یاندوردوم صنعان کیمی قرآنی**

**ترسانی سئون عاشیق، البته اولور ترسا** **بی جا یثره ای غافیل! منع ائله مه صنعانی**

**مجنونه دئیون گلسون گؤرسون نه تماشادور** **مستانه چیخوب لئیلی، اولار بو بیابانی**

بیر یارین الیندن داد ، دائیم چکه رم فـریاد  
ایسترسن اگر کؤنلوم جمعیتی جمع اولسون  
بی دردلره دردون ، اظهـار ائله مه زینهار!  
ساقی بیلو کی «ذکری» هر شام و سحر آغلار

فریاده یتیشمز لر ، فریاده یتن هانی؟  
وئرمه یتله هر گون او گیسوی پریشانی  
درد اهلی بیلر دردون ، هر درده دو درمانی  
کافرده یانار قلبی ، یوخدور منه بیر راهی

منابع:

۱. ۱. عناصری ، جابر ؛ «منتخبی از غزلیات ذکری اردبیلی» ، تهران ، ۱۳۸۱
۲. ۲. محمدزاده صدیق ، حسین ؛ «قارا مجموعه \_ شیخ صفی الدین اردبیلی» ، تهران ، ۱۳۸۰
۳. ۳. تربیت ، محمدعلی ؛ «دانشمندان آذربایجان»